بایدن با خروج مفتضحانه از افغانستان اعتبار ایالات متحده را نزد متحدان و تحت‌الحمایه‌هایش نابود کرد

افغانستان، فرارستان آمریکا

اعضای طالبان از هواپیماها و تجهیزات نظامی گرانقیمتی که آمریکایی‌ها در فرودگاه کابل به‌جا گذاشتند، بازدید می‌کنند

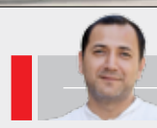

شروین طاهری
روزنامه‌نگار

در نخستین ساعات سه‌شنبه نهم شهریور ۱۴۰۰ (۳۱ آگوست ۲۰۲۱) به وقت کابل آخرین نیروهای اشغالگر آمریکایی پس از ۲۰ سال از خاک افغانستان فرار کردند.

هواپیمای سی-۱۷ پنتاگون در حالی از باند فرودگاه «حامد کرزی» بلند شد که چند متر آن‌طرف‌تر، پشت دروازه‌های این فرودگاه بین‌المللی کاملا خالی، نیروهای طالبان برای هجوم به داخل آن ازدحام کرده بودند؛ طالبانی که ۱۶ روز پیش از آن در ۲۴ مرداد طی یک کودتای سریع وارد قلب کابل شده و به سرعت خود را به ارگ شاهی (حکومتی) رسانده بودند، یعنی حفاظت شده‌ترین منطقه این کشور توسط آمریکایی‌ها و نیروهای متحدشان (ساف). درست دقایقی پیش از ورود پیشقراولان طالب به قصر گلخانه (مقر ریاست‌جمهوری افغانستان)، اشرف غنی رئیس‌جمهور دست‌نشانده واشنگتن در کابل، همراه با صدها میلیون دلار پول نقد به وسیله بالگرد از ارگ گریخته بود، هر چند که هیچ‌کس انکار نکرد که افرادی از قوم پشتون به این خویشاوند خود برای فرار چراغ سبز داده بودند.

لحظه ورود طالبان به کابل نیز تنها ۹ روز پس از تصرف نخستین مرکز ولایت افغانستان توسط آنها به وقوع پیوست، در حالی که کارشناسان پنتاگون به جو بایدن، رئیس‌جمهور گفته بودند این روند دست کم ۹۰ روز طول می‌کشد.

در این ۹ روز، صحنه‌هایی که جو بایدن و فرماندهان پنتاگون مذبوحانه تلاش می‌کردند از قدرت ارتش دست‌پرورده‌شان در افغانستان دفاع کنند، ماندگار شده و تبدیل به نماد شکست اطلاعاتی کشوری شد که مدعی سلطه بر کل جهان بود. سکانس‌هایی که بایدن از شکست‌ناپذیر بودن ارتش افغانستان در مقابل طالبان صحبت می‌کرد یا وزیر دفاع او ژنرال آستین می‌گفت افغانستان متعاقب ترک نیروهای آمریکایی، دست‌کم یک سال با سقوط فاصله خواهد داشت، به بهترین سکانس‌های طنز سال ۲۰۲۱ میلادی تبدیل شدند.

۲ هفته بعد، وقتی ژنرال کنت مکنزی، رئیس سنتکام (فرماندهی مرکزی ارتش تروریستی ایالات متحده در خاورمیانه، شرق آفریقا و آسیای مرکزی) در نشست خبری در واشنگتن خبر خروج آخرین نیروهایش از افغانستان را به همراه سفیر و یک ژنرال به وسیله یک هواپیمای لجستیکی سی-۱۷ اعلام می‌کرد، آنجا هنوز شبانگاه ۳۰ آگوست بود؛ نشانه‌ای از سراسیمگی آمریکایی‌ها برای خروج هر چه سریع‌تر از افغانستان. همزمان رقبای آنها برای ثبت لحظه بزرگ‌ترین شکست آمریکا در قرن بیست‌ویکم میلادی لحظه‌شماری می‌کردند؛ شکستی که به منزله آغاز پایان نظم بین‌المللی آمریکایی تلقی شد و حتی در خود ینگه دنیا برخی مانند ترامپ، آن را پایان کار نظام ایالات متحده در جهان خواندند.

اگر چه مکنزی همان شب فرار در نشست خبری ساختمان پنج‌گوش واشنگتن اعلام کرد از یک روز پیش از سقوط کابل به دست طالبان (۱۴ آگوست) وزارت دفاع موفق به تخلیه ۷۹ هزار نفر از جمله ۶ هزار شهروند یانکی از کابل شده اما بعد خاطرنشان کرد آنها نتوانسته‌اند همه افرادی را که باید از خاک افغانستان خارج می‌شدند با خود ببرند.

بلافاصله جهان به یاد صحنه‌های آخرالزمانی افتادن شهروندان افغان از هواپیمای ترابری آمریکایی افتاد که از باند فرودگاه کابل بلند می‌شد یا فاجعه چند روز بعد قتل‌عام مردم افغان که کمتر از صد متر آن‌طرف‌تر پشت حصار امنیتی فرودگاه، هدف بمب‌گذاری داعش و سپس رگبار سربازان آمریکایی قرار گرفتند.

هنوز کلام رئیس سنتکام منعقد نشده بود که توئیت «انس حقانی» مقام ارشد طالبان در رسانه‌ها پیچید: «ما تاریخ‌سازی کردیم. ۲۰ سال اشغال افغانستان توسط ایالات متحده و ناتو امشب پایان یافت».

آمار رسمی ۲ دهه حضور آمریکا در فقیرترین کشور جهان، قتل مستقیم بیش از ۶ هزار سرباز آمریکایی و بیش از ۲۰۰ هزار شهروند افغان بود، اگر چه آمار غیررسمی و همچنین تلفات غیرمستقیم اشغال افغانستان، حکایت از رقم‌های بسیار وحشتناکی دارد.

مهم‌ترین بعد شکست آمریکا در افغانستان اما فرار نظامیانش از دست طالبانی نبود که ۲ دهه قبل‌تر به اتهام همدستی در حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر نیویورک و واشنگتن، مورد هجوم پنتاگون و ناتو قرار گرفته بود، بلکه ناتوانی حاکمان واشنگتن از پیاده کردن الگوی مورد ادعای‌شان برای نظم جهانی با وجود بیش از ۲ تریلیون دلار هزینه در افغانستان بود. در نهایت بعد از ۲۰ سال آنها حتی نتوانستند امنیت دیپلمات‌ها و سربازان خودشان و سیاستمداران دست‌نشانده‌شان را در این کشور حفظ کنند و همه چیز را تحویل طالبان دادند.

■ **اولین چکی که بایدن خورد**

یک بعد فاجعه‌آمیز دیگر فرار آمریکایی‌ها از افغانستان، شکست آنها در برنامه‌ریزی برای این خروج بود که در ابتدا به مراتب از برنامه‌ریزی ۲ دهه قبل پنتاگون برای حمله به این کشور آسان‌تر به نظر می‌رسید. همچنین این موضوع که حمله به‌اصطلاح موفق به افغانستان تحت کنترل طالبان، توسط دولت جمهوری‌خواهان (به ریاست جورج بوش پسر) انجام شده و درست ۲۰ سال بعد، خروج فاجعه‌بار در دولت دموکرات‌ها (به ریاست جو بایدن) رخ داده، زمینه اختلاف داخلی بیشتری میان ۲ حزب را فراهم کرد.

همچنین این خروج با پیش‌زمینه توافقنامه دوحه - با عنوان رسمی توافق آوردن صلح به افغانستان- انجام شد که ۲۹ فوریه ۲۰۲۰ توسط دولت ترامپ و طالبان به امضا رسید. از مفاد آن خروج تمام نیروهای خارجی از افغانستان در ازای تعهد طالبان به جلوگیری از فعالیت القاعده در نواحی تحت کنترل خود و گفت‌وگوهای تمام افغانی بین حکومت کابل و طالبان برای یک آتش‌بس دائمی بود. با این وجود این فرار به عنوان نخستین و مهم‌ترین تصمیم دولت بایدن در سیاست خارجی‌اش در تاریخ ثبت شد. اینکه بایدن بعد از نفی همه کارها و شعارهای دولت ترامپ در جریان کارزار انتخاباتی ۲۰۲۰، در همان ماه‌های نخست ورود خود به کاخ سفید، دقیقا همان توافق رقیب جمهوری‌خواه خود با طالبان را اجرا کند، نقطه ضعف دیگری برای دموکرات‌های حاکم تلقی شد. نقطه ضعف بزرگ‌تر زمانی آشکار شد که دولت بایدن، عملا مجبور به نادیده گرفتن بند مذاکرات میان دولت غنی و طالبان شد تا جایی که بسیاری بر این باورند از بهار ۲۰۲۱ با آغاز حملات موسوم به بهاری طالبان، زلمی خلیل‌زاد، نماینده ایالات متحده در توافق دوحه به جای وزارت خارجه و وزارت دفاع دولت بایدن، ابتکار عمل اصلی را در دست داشت و به موازات آن چین، روسیه، پاکستان و ایران زمینه شکست آمریکا در افغانستان را فراهم می‌کردند.

بعد زمانی که وزیر دفاع آمریکا برنامه خروج کامل نیروهای اشغالگر خارجی (ساف) از افغانستان را برای آخر ماه آگوست اعلام کرد، عملا به تکاپوی طالبان برای پر کردن خلأ قدرت در این کشور دامن زد. در نهایت خروجی که طبق ادعای هیلاری کلینتون می‌توانست بر اساس نظریه جدید سیاست خارجی آمریکا مبتنی بر «ایجاد توازن میان خاورمیانه و شرق آسیا» به مزیت واشنگتن برای حضور پررنگ‌تر در محیط اطراف چین منجر شود، به چیزی جز نمایش افول قدرت هژمونی آمریکایی منجر نشد. این اعترافی است که نه تنها از سوی ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا بلکه دیوید پترائوس، فرمانده سابق سنتکام و رئیس پیشین سیا انجام گرفته است.

به فاصله کوتاهی پس از خروج ترامپ از کاخ سفید، شکست بایدن در نخستین تصمیم مهم سیاست خارجی‌اش یعنی فرار مذبوحانه از افغانستان، به یک نقطه ضعف در دولت مستقر واشنگتن تبدیل شد. این به منزله بمبی ساعتی است که می‌تواند نه تنها در انتخابات آتی کنگره و ریاست جمهوری، بلکه در سطح بالای مدیریت حزب دموکرات منفجر شود

■ **فرار آمریکا جلوی دوربین‌ها**

جالب اینکه نخستین نشانه این شکست در رسانه‌ها بروز پیدا کرد، نه در میدان و این، برعکس برتری ۲۰ سال پیش آمریکا در جنگ رسانه‌ای پیش از حمله به افغانستان بود.

وقتی فردای سقوط کابل به دست طالبان، تصاویر آویزان شدن جوانان افغان از هواپیماهای باربری لاکهید سی۵ گلکسی در فرودگاه در جهان پیچید، ابتدا واشنگتن و رسانه‌های زنجیره‌ای حامی‌اش چنین وانمود می‌کردند که این وضعیت ارتباطی با جریان اصلی خروج نظامی از فلات پامیر ندارد اما به سرعت عکس این ثابت شد، چرا که مخابره تصاویر آخرالزمانی فرودگاه حامد کرزی کابل به جهان تا حدود ۳ هفته که آخرین هواپیمای آمریکایی از باند آن بلند شد و رفت، ادامه یافت. این یعنی آمریکا در حال از دست دادن مزیت رسانه‌ای دیرین خود بویژه از دوران جنگ سرد به این سو است. می‌توان گفت «جنگ رسانه‌ای» آمریکا با به‌کارگیری «رسانه جنگ» از جنگ ویتنام آغاز شد. از چشمگیرترین آنها فیلمی از پرسنل نظامی پنتاگون بود که روی عرشه ناوشکن یواس‌اس کرک در خلیج مکونگ در سال ۱۹۷۵، آخرین بالگردها را هل می‌دادند؛ بالگردهایی که باید دیپلمات‌های آمریکایی و همکاران آنها و خانواده‌های‌شان در ویتنام جنوبی را از سایگون تحت محاصره ویت‌کنگ‌ها نجات می‌دادند اما خلبانان آمریکایی آنها دیگر قصد بازگشت به پایتخت در حال سوختن ویتنام جنوبی را نداشتند، بنابراین پرنده‌های گران‌قیمت‌شان در دریای چین جنوبی غرق شدند. تابستان پیش نیز صحنه‌هایی که در جریان ازدحام هزاران نفر در فرودگاه کابل و پشت دیوارهای آن برای سوار شدن بر هواپیماهای در حال خروج ثبت شد، تاریخی شد. ۲۶ آگوست، صدای انفجاری در ورودی ترمینال فرودگاه کرزی، مملو از پناهجویان افغان شنیده شد. در آن حمله تقریبا ۱۷۰ غیرنظامی و ۱۳ نظامی آمریکایی کشته شدند. بعد معلوم شد تعداد زیادی از قربانیان بعد از انفجار توسط نگهبانان آمریکایی بالای دیوارهای سیمانی به رگبار بسته شده‌اند. مردم جهان تصاویر خونین این واقعه را لابه‌لای تصاویری از مردان عبوس ریش‌بلند پشت میزهای دفاتر دولتی کاخ ریاست‌جمهوری و نیروهای طالبان مسلح به کلاشنیکف‌های روسی، ام۴های آمریکایی و اس‌جی‌های سوییسی در خیابان‌های کابل می‌دیدند. پیام آشکار بود: این پیامد ادعای آمریکا برای برقراری نظم جهانی است.

■ **پرواز سقوط برای کابینه بایدن**

به فاصله کوتاهی پس از خروج ترامپ از کاخ سفید، شکست بایدن در نخستین تصمیم مهم سیاست خارجی‌اش یعنی فرار مذبوحانه از افغانستان، به یک نقطه ضعف در دولت مستقر واشنگتن تبدیل شد.

این به منزله بمبی ساعتی است که می‌تواند نه تنها در انتخابات آتی کنگره و ریاست جمهوری، بلکه در سطح بالای مدیریت حزب دموکرات منفجر شود.

«ولادیمیر واسیلیف» محقق ارشد مؤسسه مطالعات آمریکا و کانادا در آکادمی علوم روسیه در مسکو این واقعه را یک نقطه عطف مهم در تاریخ ایالات متحده می‌داند که عواقب آن چندین دهه ادامه خواهد داشت. او می‌گوید: «اول از همه، این امر باعث ایجاد شکاف میان جامعه و نخبگان سیاسی آمریکا شد. در ارزیابی این رویداد از سوی ۲ حزب و رهبران آنها، قطب‌بندی‌ها آشکار بود.

دموکرات‌ها در گفتار و شاید در عمل از آنچه ابتکار خروج خوانده می‌شد، حمایت کردند. بایدن مسؤولیت کامل را بر عهده گرفت و معتقد بود این جنگ ۲۰ ساله را که برای آمریکایی‌ها بیش از ۲ تریلیون دلار هزینه داشته است، پایان داده است. در مقابل نمایندگان حزب جمهوری‌خواه هنوز فرار از افغانستان را با خروج از ویتنام جنوبی و آسیای جنوب شرقی در اواسط دهه ۱۹۷۰ مقایسه می‌کنند. در کشاکش قبل از انتخابات، این اختلاف می‌تواند به عنوان توجیهی برای استعفای داوطلبانه بایدن یا حتی استیضاح او مورد استفاده قرار گیرد. تصویر افغانستان همه چیز را تغییر داد. از آن زمان، میزان حمایت عمومی از بایدن بشدت کاهش یافته و اکنون در سطح بسیار پایینی قرار دارد و امروز حتی می‌توانیم بگوییم این روند برگشت‌ناپذیر است».

به گزارش رویترز، مقبولیت فعلی بایدن به سختی به ۴۰ درصد می‌رسد، در حالی که ۵۵ درصد آمریکایی‌ها از اقدامات او ناراضی هستند. خروج فاجعه‌آمیز از افغانستان می‌تواند نقطه آغازی برای سقوط دموکرات‌ها باشد. ادامه همه‌گیری کرونا، تنش‌ها در آسیا و رکود اقتصادی قریب‌الوقوع نیز به کاهش محبوبیت رئیس‌جمهوری که توانایی‌های شخصی‌اش نیز بر اثر زوال عقل زیر سوال رفته، کمک می‌کند. تور آسیایی اخیر نانسی پلوسی همراه با توقف جنجالی در تایوان، ممکن است تنها تلاشی برای اصلاح وضعیت رهبری حزب بوده باشد که بایدن عملا عنان اختیار آن را از کف داده است.

بر اساس داده‌های تجزیه و تحلیل حسابرسان سازمان عمومی «اوپن د بوکز»، ارتش آمریکا تا ۶۵۰ هزار قبضه سلاح برای نیروهای طالبان که به سرعت در حال پیشروی بودند، باقی گذاشت. این شامل ۳۵۰ هزار تفنگ مدرن «ام ۴» و «ام ۱۶» از رده خارج شده توسط پنتاگون، ۶۵ هزار تیربار، ۲۵ هزار مسلسل دستی و ۲۵۰۰ خمپاره‌انداز است. بر اساس برآوردهای این سازمان، آمریکایی‌ها تا ۲۲ هزار خودروی نظامی هاموی و ۱۱۰ بالگرد رزمی UH-۶۰ بلک هاوک را در افغانستان جا گذاشتند. حتی اگر این ارقام اغراق‌آمیز به نظر برسد، فرضی منطقی است که به دنبال پمپاژ ۲۰ ساله اسلحه به یک کشور، خروج ناگهانی تمام نیروهای باقیمانده آمریکا در آن تنها در عرض یک هفته، به نتایج فوق بینجامد. ظاهرا ژنرال «آستین میلر» که فرماندهی نیروهای آمریکا در افغانستان را بر عهده داشت، این فاجعه را پیش‌بینی می‌کرد، چرا که قبل از شروع عملیات خروج نیروها، به طور نمادین سمت فرماندهی خود را تحویل داد و اکنون به عنوان مشاور در یک شرکت خصوصی کار می‌کند.

«یوری روگولف» مدیر بنیاد مطالعات آمریکا درباره افغانستان از دانشگاه دولتی مسکو می‌گوید: «ما به زحمت می‌توانیم آنچه را که اتفاق افتاد عملیات عقب‌نشینی واقعی بنامیم. در واقع، این یک فرار واقعی بود که متحدان آمریکا در افغانستان زیر اتوبوس انداخته شدند. افغان‌هایی که برای آمریکایی‌ها کار می‌کردند، کوه‌های سلاح به ارزش میلیاردها دلار، بالگردها و وسایل نقلیه، همه رها شدند».

او به کنایه می‌گوید پروازهای خروج ارتش آمریکا نقطه عطفی برای سقوط دولت بایدن بود که پس از آن میزان محبوبیت آن بشدت کاهش یافت و هرگز بازنگشت. این اقدامی نمادین است که تمام تناقضات روابط آمریکا با بسیاری از کشورها و نگرشش نسبت به متحدان سابق را آشکار می‌سازد».

روگولف با اشاره به سنت ۱۰۰ ساله سیاست خارجی واشنگتن می‌گوید: «این نشان می‌دهد ایالات متحده می‌تواند این کار را با هر یک از تحت‌الحمایه‌ها، متحدان یا مشتریانش انجام دهد. آنها افغانستان را به کلی رها کرده و هیچ‌گونه حمایت مالی یا حتی کمک‌های بشردوستانه به آن ارائه نمی‌کنند. این نمونه‌ای است که پاکستان نیز باید در نظر داشته باشد».

از طرف دیگر شکست در افغانستان به جاه‌طلبی‌های سیاسی داخلی دولت بایدن پایان داد. پس از گذشت یک سال، کابینه او نتوانسته هیچ یک از ابتکار عمل‌های سیاسی اصلی را در داخل ایالات متحده پیش ببرد. در سیاست خارجی اما دولت بایدن عقب‌نشینی از افغانستان را با این جمله توجیه کرد: «ما افغانستان را ترک می‌کنیم تا اقدامات خود را بر مقابله با روسیه و چین متمرکز کنیم». حال پوچ بودن ادعای بایدن ثابت شده، چون پس از اینکه آمریکا طبق ادعای او تمرکز بر قدرت‌های شرقی را آغاز کرد، با تحریک طرف روس، در جنگ اوکراین، در مقابل کار انجام شده قرار گرفت. تنش در روابط آمریکا و چین و افزایش تنش‌ها پیرامون تایوان نیز دیگر پیامد مستقیم تنش‌زدایی نظامی بایدن در افغانستان است.

■ **آمریکا؛ بی‌اعتمادی خارجی و بی‌تفاوتی داخلی**

واسیلیف، محقق ارشد آکادمی علوم روسیه، شکست در افغانستان را چالشی برای دورنمای حزب دموکرات در حفظ کنترل خود بر هر دو مجلس کنگره در انتخابات آینده می‌داند و معتقد است پیروزی ۲۰۲۰ این حزب تمام شده است.

در مقایسه پرواز فرار از کابل با پرواز نمادین خروج از سایگون در سال ۱۹۷۵، یک تمایز وجود دارد. در آن زمان، نیروهای آمریکایی در ویتنام واقعا شکست خورده بودند اما در افغانستان ظاهرا هیچ شکستی وجود نداشت، بلکه آنچه اتفاق افتاد نشان‌دهنده فقدان هرگونه راهبرد مشترک یا موضع روشن در واشنگتن بود.

این وضع، پیامدهایی را برای یانکی‌ها در سایر نقاط جهان نیز به همراه داشته، از جمله اینکه در کمال رضایت مسکو و پکن، موقعیت آمریکا در خاورمیانه را نیز تضعیف کرده است.

از نگاه روگولف، مدیر بنیاد مطالعات آمریکا درباره افغانستان از دانشگاه دولتی مسکو تصویر کلی از ایالات متحده به عنوان کشوری که می‌تواند آورده‌های مثبتی به ارمغان بیاورد، در منطقه ناپدید شده است.

باید منتظر بود تا نتایج تحقیقات نهادهای نظارتی آمریکایی درباره خروج فاجعه‌بار از افغانستان روشن شود و در این صورت شاهد یک زلزله بزرگ در وزارت خارجه خواهیم بود که در حال حاضر باند نومحافظه‌کاران اشتراوسی بر آن خیمه زده‌اند.

جمهوری‌خواهان تلاش می‌کنند روند خانه‌تکانی در وزارت خارجه را از طریق کنگره آغاز کنند اما فقط یک کمیسیون ویژه دوحزبی می‌تواند افراد مسؤول شکست در افغانستان را شناسایی و یک ارزیابی رسمی قابل اتکا ارائه کند. تا امروز نه دولت بایدن در این باره پاسخگو بوده و نه دموکرات‌ها تلاشی برای آسیب‌شناسی این شکست داشته‌اند.

از نظر محقق روس، این سکوت مزمن داخلی آمریکایی‌ها در قبال شکست‌های خارجی، پدیده بی‌تفاوتی و بی‌عملی طبقه حاکم نومن کلاتورای حزب کمونیست پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی را به ذهن متبادر می‌کند.

اعتراف پترائوس، رئیس پیشین سیا و سنتکام

افغانستان افول آمریکا را به دشمنانش نشان داد

هفته گذشته در آستانه سالگرد فرار آمریکایی‌ها از دست طالبان، رئیس پیشین سازمان سیا در یادداشتی برای هفته آتلانتیک اقدام به اعترافی تلخ در این باره کرد. دیوید پترائوس که خود تا نزدیک به یک دهه پیش در جایگاه فرمانده سنتکام، مسؤولیت مستقیم نیروهای اشغالگر آمریکایی در افغانستان را بر عهده داشته، نوشت: «واقعیت و نحوه خروج آمریکا به دشمنان ما امکان داد ادعا کنند آمریکا شریک قابل اعتمادی نیست و در عوض یک قدرت بزرگ در حال افول است».

این اعتراف یکی از بلندپایه‌ترین مقامات امنیتی و نظامی آمریکا که در عین حال نزدیک به حزب دموکرات است، بر گفته‌های چند ماه پیش دونالد ترامپ صحه می‌گذارد که متعاقب آغاز عملیات روسیه در اوکراین مدعی شده بود ولادیمیر پوتین، با نگاه کردن به فرار ذلت‌بار آمریکا از افغانستان، جرات پیدا کرد به اروپا لشکرکشی کند.

پترائوس در یادداشت اخیر خود همچنین می‌آورد: «آمریکا در طول ۲۰ سال حضور در افغانستان اشتباهات مهمی مرتکب شد و بارها کوتاهی‌هایی داشت. اشتباه اساسی ما عدم تعهد ما بود. در اصل، ما هرگز یک رویکرد کافی، منسجم و فراگیر را که از یک دولت به دولت دیگر، یا حتی در داخل دولت‌های فردی به آن پایبند بودیم، اتخاذ نکردیم... وقتی متوجه شدیم نمی‌توانیم در جنگ پیروز شویم، حتی به طور جدی به این فکر نکردیم که چطور آن را مدیریت کنیم... با وجود خدمات عناصر نظامی و غیرنظامی و همچنین شرکای ائتلاف و تلاش‌های مردم افغانستان، غرب در مدت حضورش در این کشور به اهداف خود دست نیافته است... از دیگر دلایل عدم موفقیت آمریکا در افغانستان ارزیابی‌های بیش از حد امیدوارانه از شرایط افغانستان در مقاطع مختلف، بویژه در سال‌های قبل از خروج نهایی از افغانستان بود».

آنچه آمریکایی‌ها یک شکست بزرگ می‌دانند

وحشت بایدن از انتشار گزارش کنگره درباره افغانستان

در حالی که بایدن پس از خروج مفتضحانه آمریکا از افغانستان برای بهبود چهره خود تلاش می‌کند اما خبری از شفاف‌سازی در این باره نیست. بایدن ۶ هفته پیش از سقوط کابل گفته بود: «احتمال اینکه طالبان همه چیز را اداره کنند و کل کشور (افغانستان) را در اختیار بگیرند، بسیار بعید است».

حال مایکل والتز، نماینده خانه نمایندگان از فلوریدا در این باره گفته است: «یافته‌های کمیسیون جنگ افغانستان تا دسامبر ۲۰۲۴ منتشر نمی‌شود و دامنه گزارش نیز شامل ۲۰ سال حضور در افغانستان خواهد شد تا توجه به خروج فاجعه‌آمیز (از افغانستان) را کاهش دهد».

پیش از این شبکه ان‌بی‌سی نیوز گزارش داده بود دولت بایدن در آستانه یک سالگی خروج مفتضحانه از افغانستان گفت‌وگو درباره چگونگی آن را آغاز کرده تا از پیش آمدن مشکلاتی که می‌تواند به پریشانی‌های بایدن و تشدید کاهش محبوبیت وی ختم شود، جلوگیری شود. بر اساس این گزارش، روند بررسی جامع این واقعه که کاخ سفید تقریبا یک سال پیش قول آن را داده بود، هنوز تکمیل نشده است. بخش مربوط به ارزیابی‌های جامعه اطلاعاتی آمریکا نزدیک به پایان است اما انتظار می‌رود بخش عمده آن طبقه‌بندی شده و محرمانه اعلام شود. این نشان می‌دهد حتی دستیاران بایدن هم می‌دانند که از نظر اغلب آمریکایی‌ها، فرار از افغانستان یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های دولت فعلی است، به همین دلیل کاخ سفید می‌خواهد اطمینان حاصل کند که بخش‌های مختلف دولت به طور هماهنگ پیام مشترک با لحنی مشترک را درباره خروج از افغانستان منتقل می‌کنند.

CRS Report for Congress
U.S. Forces in Afghanistan